

فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، علمی - پژوهشی، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴

## «اعتماد» در پژوهش: «اعتماد» و نقش آن در «ارجاع دادن»

### به پژوهش‌های زبانی در ایران

رضا پیش‌قدم (استاد گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسؤل)

[pishghadam@um.ac.ir](mailto:pishghadam@um.ac.ir)

هانیه جاجرمی (دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

[hjjajarmi@yahoo.com](mailto:hjjajarmi@yahoo.com)

#### چکیده

این مطالعه با در نظر گرفتن سازه اجتماعی «اعتماد» که ریشه در فرهنگ و هویت اعضای جامعه دارد، وضعیت اعتماد به مقاله‌های علمی تولید شده در ایران را در میان استادان دانشگاه و دانشجویان مقطع دکتری، که بیش از هر قشر دیگری با مقوله پژوهش در ارتباط هستند، بررسی نموده و دلایل وجود یا عدم اعتماد به تولیدات علمی داخلی به خصوص در سال‌های اخیر را معرفی می‌کند. بدین منظور این پژوهش با استفاده از ابزار مصاحبه و روش نمونه‌گیری هدفمند به تحلیل و بررسی دیدگاه و نگرش‌های ۲۱ شرکت‌کننده در این باره و آسیب‌شناسی وضعیت پژوهش در قالب اعتماد و ارجاع دادن به کارهای پژوهشی داخلی در مقایسه با مقالات خارجی می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان‌دهنده نوعی بی‌اعتمادی به تولیدات علمی - پژوهشی داخلی به خصوص در حوزه زبان‌های خارجی است. در انتها ریشه‌های این عدم اعتماد بنا به یافته‌های تحقیق و راهکارهایی برای برطرف کردن آن ارائه می‌گردد.

**کلیدواژه‌ها:** اعتماد، پژوهش، ارجاع دادن، مشکلات، مقالات علمی.

#### ۱. مقدمه

با توجه به نقش اساسی پژوهش در کشورمان ایران و با در نظر گرفتن سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و تأکید فزاینده بر دانش مبتنی بر تولید علم، به نظر می‌رسد پرداختن به مسئله پژوهش و مشکلات و موانع بر سر راه تولیدات علمی ارزشمند و باکیفیت، امری ضروری است. یکی از راه‌های ارزیابی وضعیت پژوهش در کشور برای یافتن موانع و مشکلات به‌منظور مرتفع نمودن آن‌ها، پرداختن به

---

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱

بستر فرهنگی موجود در آن می‌باشد. پرواضح است که فرهنگ‌های متفاوتی در یک کشور وجود دارد. یکی از انواع فرهنگ‌ها، فرهنگ اعتماد و بی‌اعتمادی است.

اعتماد را می‌توان به‌عنوان درک فردی و در سطح گروهی، به‌عنوان یک فرهنگ به‌شمار آورد (مورفی - گراهام<sup>۱</sup> و لمپل<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). شریبتیان (۱۳۹۱، ص ۱۵۹) اعتماد را به‌عنوان یکی از ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی معرفی کرده و آن را «به‌مثابه عاملی نگهدارنده در زمره ارزش‌هایی که باید در قشرها و گروه‌های اجتماعی هر جامعه‌ای ایجاد، تقویت و منتشر شود» می‌داند. باوجوداین، مطالعات انجام شده شاهد این است که اعتماد اجتماعی در بسیاری از جوامع از جمله ایران از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست (حیدرآبادی و صالح‌آبادی، ۱۳۹۱). در مطالعه‌ای در حوزه کسب‌وکار و کارآفرینی، بیات، اسکات و زالی (۲۰۱۴) نیز ایران را به‌عنوان جامعه‌ای با فرهنگ اعتماد پایین<sup>۳</sup> در مقایسه با دانمارک به‌عنوان جامعه‌ای با فرهنگ اعتماد بالا<sup>۴</sup> معرفی می‌کنند. در همین راستا، مبدع مفاهیم جوامع با فرهنگ اعتماد بالا و پایین، محقق و نویسنده آمریکایی، فرانسیس فوکویاما<sup>۵</sup> (۱۹۹۵) به‌عنوان چهره‌ای شناخته‌شده در بحث مطالعات اجتماعی مربوط به مقوله اعتماد بر این باور است که توانایی یک اجتماع برای رقابت در بازارهای جهانی توسط اعتماد اجتماعی تعیین می‌شود: «جوامع با فرهنگ اعتماد پائین در وضع نابرابری نسبت به جوامع با فرهنگ اعتماد بالا قرار دارند، زیرا آن‌ها در توسعه نهادهای اجتماعی بزرگ و پیچیده از اثر بخشی کمتری برخوردارند» (ینگلهارت<sup>۶</sup>، ۲۰۰۰، ص ۸۰).

یکی از مسائل مهم پیش رو، اعتماد در پژوهش است. با توجه به اهمیت پژوهش و نقش فرهنگ در رشد و پویایی نظام آموزشی و پژوهشی یک جامعه، ما در این مطالعه برآنیم تا بیابیم که آیا در کشور ایران با توجه به فرهنگ موجود که فرهنگی با اعتماد پایین است، این جنبه فرهنگ در حوزه کارهای پژوهشی و ارجاع دادن به آن‌ها نیز دیده می‌شود؛ در این صورت دلایل بی‌اعتمادی چیست و چگونه می‌توان آن‌ها را برطرف ساخت.

1 Murphy-Graham

2 Lampl

3 Low-trust culture

4 High-trust culture

5 Francis Fukuyama

6 Inglehart

## ۲. پیشینه تحقیق

## ۲-۱. نظام پژوهشی کشور

طبق چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی «ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل» (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی). همان‌طور که قابل ملاحظه است، اساس و زیربنای حصول این اهداف، تولید علم و فناوری و ارتقای کیفیت پژوهش می‌باشد. از تاریخ تصویب این قانون (۱۳۸۲/۸/۱۳) حدود ۱۲ سال می‌گذرد و به نظر می‌رسد که سیاست‌گذاری‌های کلان در امر پژوهش تا حد زیادی در جهت ارتقای فعالیت‌های دانش‌بنیان گام برداشته است. از این‌رو آسیب‌شناسی این روش‌ها و برآورد موفقیت آن‌ها در دستیابی به اهداف تعیین‌شده امری ضروری به شمار می‌آید. پژوهشگران بسیاری به بررسی موانع و مشکلات انجام پژوهش در کشور پرداخته و عوامل ساختاری متعددی را در این زمینه معرفی نموده‌اند. آن‌ها به‌عنوان مثال، به مسائلی از قبیل مشکلات مالی و کمبود بودجه (عرب‌مختاری، ۱۳۸۶؛ سواری و تقی‌پور، ۱۳۸۲؛ جمالی و شفیع‌زاده، ۱۳۹۱؛ جوادیان، ۱۳۸۱)، کمبود دانش تخصصی در زمینه پژوهش (طالقانی، ۱۳۷۷؛ تابان، ۱۳۷۸؛ فضل‌اللهی، ۱۳۹۱)، نداشتن انگیزه و وقت کافی (صافی، ۱۳۸۰؛ سرشتی، کاظمیان و دریس، ۱۳۸۹؛ خدمت، ۱۳۷۸) و عدم توجه کافی به فرآیند اشاعه و کاربست تحقیقات (فرهادی، ۱۳۸۹) اشاره کرده‌اند. در نهایت، با مطالعه دقیق مطالعات انجام شده در زمینه بررسی معضلات پژوهش در کشور، می‌توان دریافت که کم‌وبیش نتایج یکسانی در محیط‌های متفاوت حاصل شده است که همگی دلالت بر عدم رضایت‌بخشی در حد انتظار از روند اجرای این امر خطیر در کشور به‌خصوص در سال‌های اخیر دارند.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که فضای فرهنگی جامعه چه تأثیری بر پژوهش و روند اجرای آن در جامعه دارد؛ موضوعی زیربنایی که کمتر مورد توجه و بررسی پژوهشگران در زمینه مسائل پژوهش در ایران قرار گرفته است. در این مطالعه، اعتماد به‌عنوان یک عنصر فرهنگی و تأثیر آن در ارجاع دادن به مقالات در حوزه زبان‌های خارجی مورد بررسی قرار می‌گیرد. فوکویاما (۱۹۹۵) به نقل از وارد،

مامرو و می‌یر<sup>۷</sup> (۲۰۱۴) معتقد است که ما برای پیشرفت و توسعه، نیازمند بالا بردن سطح آگاهی نسبت به وجود اعتماد (یا عدم اعتماد) هستیم.

## ۲-۲. سازه اجتماعی اعتماد

اعتماد به دیگران مشخصه اساسی یک جامعه موفق و پررونق و پایه فعالیت‌های جمعی و همکاری بین اعضای آن می‌باشد (مورفی-گراهام و لمپل، ۲۰۱۴). کاپلان<sup>۸</sup> (۱۹۷۳) به نقل از راتر<sup>۹</sup> (۱۹۶۷)، «اعتماد» را به‌عنوان انتظار یک فرد یا گروه از فرد یا گروهی دیگر می‌داند که حرف یا قول او، چه به صورت نوشتاری و چه گفتاری، قابل اتکا باشد. علاوه بر این، لومان<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۰) بر این اعتقاد است که شکل‌گیری اعتماد یا عدم اعتماد، به محیط محلی و تجربه شخصی افراد بستگی دارد. پژوهشگران در مطالعات بسیاری، انواع مختلفی از اعتماد را معرفی کرده‌اند. به‌عنوان مثال، یاماگیشی و یاماگیشی<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۴) به نقل از بدسکو و سام<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۵) بین «اعتماد عمومی»<sup>۱۳</sup> یا اطمینانی که به غریبه‌ها داریم و «اعتماد مبتنی بر دانش»<sup>۱۴</sup> که مستلزم شناخت فرد پیش از اعتماد به او می‌باشد، تمایز قائل می‌شود. از طرف دیگر، فریتگ و بوئر<sup>۱۵</sup> (۲۰۱۳)، سه نوع اعتماد اختصاصی، عمومی و هویتی<sup>۱۶</sup> را ارائه کرده و معتقدند که اعتماد هویتی از دو نوع دیگر متفاوت است؛ چرا که در اعتماد هویتی مبنای اعتماد، ارتباط و شناخت فردی نیست بلکه یک هویت مشترک است. در مطالعه‌ای دیگر، بلومکوویست<sup>۱۷</sup> (۱۹۹۷) به تحلیل سطوح و ابعاد مختلف اعتماد و همچنین ذکر سازه‌های مرتبط با آن پرداخته و مفهوم اعتماد در زمینه‌های مختلف از جمله روانشناسی، فلسفه، اقتصاد و کسب‌وکار را مورد بررسی قرار می‌دهد. وی اظهار می‌دارد که با فهم بهتر این مفهوم مهم و پیچیده می‌توان با استفاده صحیح از آن در جهت پیشبرد اهداف خود گام

7 Ward, Mamerow and Meyer

8 Kaplan

9 Rotter

10 Luhmann

11 Yamagishi

12 Badescu and Sum

13 Generalized trust

14 Knowledge-based trust

15 Freitag and Bauer

16 Identity-based trust

17 Blomqvist

برداشت. در این میان، اوریگی<sup>۱۸</sup> (۲۰۰۴) «منظورشناسی اعتماد»<sup>۱۹</sup> را مطرح کرده و پیشنهاد می‌کند رویکرد گرایس<sup>۲۰</sup> با مطالعه اعتماد غیر مرتبط نیست. به عقیده او اعتماد به صداقت گوینده جزء مهمی از روند درک متقابل است. در سال‌های اخیر، اظهار اینکه «اعتماد» انعکاس نقش‌ها، عملکردها و سطوح تحلیلی فراوانی می‌باشد به‌عنوان نقطه عطفی برای نظریه و تحقیق روی این موضوع به شمار می‌آید (کاستا، رو و تایللیو<sup>۲۱</sup>، ۲۰۰۱). «اعتماد حالتی از روانشناسی است که خود را در رفتار با دیگران نشان داده و بر پایه انتظاراتی است که بر اساس رفتار دیگران ایجاد می‌شود» (همان، ص ۲۲۸).

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، صاحب‌نظران و اندیشمندان ایرانی بر این باورند که شواهد بسیاری مبنی بر کاهش اعتماد اجتماعی در ایران در تمام سطوح وجود دارد (حیدرآبادی و صالح‌آبادی، ۱۳۹۱). به‌عنوان مثال، در مطالعه‌ای بر میزان اعتماد اجتماعی در شهر گرمسار، ابراهیمی‌لویه (۱۳۸۸) به بررسی شاخص اعتماد اجتماعی شامل اعتماد به عموم مردم، اعتماد به اصناف و اعتماد به سازمان‌ها پرداخته و نشان می‌دهد که «۶۳/۵ درصد از پاسخگویان دارای اعتماد اجتماعی در حد متوسط بوده، حدود ۲۰/۵ درصد دارای اعتماد اجتماعی پایین، و تنها حدود ۱۶ درصد دارای اعتماد اجتماعی بالا هستند» (ص ۶۵). همچنین، کتابی و همکاران (۱۳۸۹) با بررسی میزان اعتماد اجتماعی در مراکز شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری و عوامل مؤثر و مرتبط با آن نشان دادند که به‌جز اعتماد بنیادی و بین-شخص، میزان اعتماد در انواع عمومی، سازمانی، سیاسی و اعتماد به مشاغل و مناصب به‌عنوان زیرشاخه‌های اعتماد اجتماعی در سطح متوسط و پایین‌تر از متوسط قرار دارد. از سوی دیگر، حیدرآبادی و صالح‌آبادی (۱۳۹۱) با ارائه شواهدی پایین بودن اعتماد اجتماعی در استان مازندران را مطرح کرده و بر لزوم بررسی علمی اعتماد اجتماعی به‌عنوان اساسی‌ترین شاخص سرمایه اجتماعی تأکید می‌کند.

در همین راستا، در گزارشی از خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۳)، معاون پژوهش و فناوری دانشگاه اراک بر این اعتقاد است که از جمله معضلات پیش روی واحد پژوهش دانشگاه‌ها، عدم اعتماد جامعه به

18 Origgi

19 Pragmatics of trust

20 Gricean approach

21 Costa, Roe and Taillieu

دستاوردهای پژوهشی دانشگاهی است؛ بنابراین همان‌طور که قابل ملاحظه است، به نظر می‌رسد که این فضای بی‌اعتمادی در یک فرهنگ احتمالاً به فضاهاى دیگر، از جمله فضای پژوهش، نیز منتقل خواهد شد. در این مطالعه برآنیم تا با در نظر گرفتن سازه اجتماعی اعتماد که یکی از مؤلفه‌های فرهنگی جامعه به شمار می‌آید به بررسی وضعیت تولیدات پژوهشی داخلی از دیدگاه تنی چند از اساتید و دانشجویان فعال در این عرصه بپردازیم. امید است با در نظر قرار دادن تفاوت‌های فرهنگی بین جوامع مختلف بتوانیم شیوه‌های بومی و متناسب با فرهنگ و طرز تفکر خود را یافته و مبنای سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها قرار دهیم.

جهت بررسی وضعیت اعتماد به کارهای پژوهشی انجام شده در سال‌های اخیر و دلایل وجود یا عدم اعتماد به تولیدات علمی و پژوهشی در حوزه زبان‌های خارجی در کشورمان ایران، سؤالات زیر توسط دو محقق جهت نظرسنجی از پژوهشگران نمونه تحقیق مطرح گردید:

۱. به نظر شما به چه میزان، اعتماد در انتخاب مقاله‌ای به‌عنوان منبع و ارجاع دادن به آن نقش دارد؟
۲. آیا ترجیح می‌دهید برای ارجاع دادن، بیشتر از مقالات ایرانی استفاده کنید یا خارجی؟
۳. آیا به کارهای پژوهشی همکاران خود در ایران (در گروه استادان) و یا به کارهای پژوهشی همکلاسیان خود (در گروه دانشجویان) اعتماد دارید و به آن‌ها ارجاع می‌دهید؟
۴. آیا به پژوهش‌های انجام شده توسط دانشجویان خود (در گروه استادان) و یا به کارهای پژوهشی استادان خود (در گروه دانشجویان) اعتماد دارید؟
۵. آیا به کارهای پژوهشی خود اعتماد دارید و به آن‌ها ارجاع می‌دهید؟
۶. خارجی‌ها چقدر به کارهای پژوهشی ایرانی‌ها ارجاع می‌دهند؟ از نظر شما دلیل آن چیست؟
۷. در مجموع اعتماد شما نسبت به کارهای پژوهشی انجام شده در ایران توسط ایرانی‌ها چقدر است؟ چه مشکلاتی در این زمینه وجود دارد؟ پیشنهاد شما برای برطرف کردن این مشکلات چیست؟

### ۳. روش تحقیق

#### ۳-۱. شرکت‌کنندگان

در این پژوهش، که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انجام گرفت، از دو گروه استادان و دانشجویان مقطع دکتری دانشگاه فردوسی مشهد استفاده شد. در گروه استادان ۱۰ استاد (۴ زن و ۶

مرد) در بازه سنی ۳۰ تا ۶۵ سال، در رشته‌های آموزش زبان انگلیسی (۱ زن و ۴ مرد)، زبان و ادبیات انگلیسی (۲ زن و ۱ مرد)، زبان و ادبیات فرانسه (۱ زن) و مترجمی زبان انگلیسی (۱ مرد) قرار داشتند. شرکت‌کنندگان در گروه استادان شامل ۲ نفر دارای رتبه استاد تمام، ۳ نفر رتبه دانشیار، و ۵ نفر رتبه استادیاری باشند. در گروه دانشجویان نیز ۱۱ دانشجوی سال‌های اول تا سوم دوره دکتری در رشته آموزش زبان انگلیسی (۸ زن و ۳ مرد) در بازه سنی ۲۸ تا ۳۸ سال، شرکت داشتند. دانشجویان شرکت‌کننده در این مطالعه هر یک دارای ۲ تا ۱۴ مقاله چاپ شده در مجلات معتبر داخلی و خارجی بودند. دلیل استفاده از این تعداد افراد این بود که با تحلیل داده‌های ۲۱ شرکت‌کننده در دو گروه، نتایج به حد اشباع رسید؛ به طوری که نتیجه جدید دیگری حاصل نشد.

اساس انتخاب نمونه‌ها از رشته‌های زبان‌های خارجی این بود که آن‌ها در حوزه‌های میان‌رشته‌ای به‌طور خاص فعالیت دارند؛ برای مثال، در رشته آموزش زبان انگلیسی حوزه‌هایی همچون روانشناسی، جامعه‌شناسی، تجزیه و تحلیل کلام و منظورشناسی، بررسی مقابله‌ای، آمار کمی و کیفی و غیره از اهمیت بسیار بالایی برخوردارند و در نتیجه مطالعات گسترده‌ای در تمامی این زمینه‌ها در این رشته وجود دارد. دلیل دیگر انتخاب نمونه‌ها از رشته‌های زبان‌های خارجی، آشنایی کامل آنان به زبان مقالات چاپ شده در عرصه بین‌المللی بود که دارای دو مزیت می‌باشد: اولاً، مطالعه مقالات به زبان انگلیسی برای آنان آن‌چنان چالش خاصی محسوب نمی‌شود؛ ثانیاً، در خلال ترجمه و یا ویرایش مقالات تألیف شده توسط پژوهشگران در دیگر حوزه‌های علمی پژوهشی، با سازوکار مقاله‌نویسی در دیگر رشته‌های علوم انسانی آشنایی دارند.

### ۲-۳. درباره خود<sup>۲۲</sup>

یکی از قسمت‌هایی که معمولاً در پژوهش‌های کیفی مورد غفلت واقع می‌شود، بخش درباره خود است که بازتابی از خصوصیات، علایق و گرایش‌های<sup>۲۳</sup> پژوهشگران انجام‌دهنده تحقیق می‌باشد. از آنجائی که نویسنده هم مانند شرکت‌کنندگان جزئی از تحقیق محسوب می‌شود، مطرح کردن ویژگی‌های او در مطالعات کیفی امری ضروری به نظر می‌رسد. به گفته ذکایی (۱۳۸۱)، از

22 Reflexivity

23 Biases

مشخصه‌های محقق کیفی این است که به‌طور منظم نقش خود را در جریان تحقیق بازاندیشی می‌کند و به بیوگرافی شخصی خود و نحوه تأثیر آن بر مطالعه حساس است. به اعتقاد ویلیگ<sup>۲۴</sup> (۲۰۱۳) بخش درباره خود، ما را به تفکر درباره اینکه چگونه واکنش‌های ما به بافت تحقیق و اطلاعات، بینش و درک خاصی از آن را ممکن می‌سازد دعوت می‌کند. او همچنین معتقد است که انگیزه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های<sup>۲۵</sup> محقق، گرایش‌هایی محسوب نمی‌شوند که باید حذف بشوند بلکه شرایطی هستند که پژوهش را میسر ساخته و در نتیجه تحقیق و نتایج آن را شکل می‌دهند. این پژوهش توسط دو تن انجام گرفت. یکی از آن‌ها استاد تمام دانشگاه فردوسی مشهد در رشته آموزش زبان انگلیسی، و اهل مشهد، خراسان رضوی می‌باشد. ایشان دارای مقاله‌های متعددی در زمینه‌های تخصصی مسائل آموزش زبان در نشریات معتبر علمی و کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی است. زمینه‌های پژوهشی مورد علاقه او فرهنگ و هویت در یادگیری زبان، روانشناسی و جامعه‌شناسی زبان می‌باشد.

محقق دیگر، دانشجوی دکتری رشته آموزش زبان انگلیسی، و اهل مشهد، خراسان رضوی است. وی دارای مقاله‌هایی در حوزه‌های روانشناسی و تربیت مدرس زبان انگلیسی در نشریه علمی-پژوهشی و کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی می‌باشد. از حوزه‌های مورد علاقه او برای پژوهش می‌توان به روانشناسی، فرهنگ و هویت در یادگیری زبان و تربیت مدرس زبان انگلیسی اشاره کرد.

### ۳-۳. شیوه جمع‌آوری داده‌ها

در این مطالعه، برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده گردید. پس از طرح سؤالات تحقیق توسط محققان، از شرکت‌کنندگان در پژوهش خواسته شد تا نظر خود را در رابطه با هر یک از سؤالات به‌طور کامل و شفاف بیان نمایند. زمان مصاحبه‌ها به‌طور متوسط ۱۵ دقیقه و به مدت ۲ ماه به طول انجامید. پاسخ‌های آنان توسط دستگاه ضبط صوت ثبت گردیده و سپس به صورت نوشتار برگردانده شد. پس از جمع‌آوری اطلاعات، دو محقق محتوای مصاحبه‌ها را مورد تحلیل و بررسی دقیق قرار دادند. سپس مضامین مرتبط از متن مصاحبه‌ها استخراج و ارائه گردید.

24Willig

25 Investments



## ۴. نتایج تحلیل داده‌ها

بررسی و تحلیل محتوای مصاحبه‌ها در مورد سؤال اول، گویای نقش مؤثر اعتماد در انتخاب مقاله به‌عنوان منبع و ارجاع دادن به آن می‌باشد. طبق نظر همه استادان، اعتبار مجله‌ای که مقاله مورد نظر در آن چاپ شده است دارای اهمیت بسیار است. استادان همچنین بر انتخاب منبع بر اساس اعتماد به نویسنده مقاله تأکید داشتند. یکی از استادان در این زمینه اعتقاد داشت که توجه به نام نویسنده در ایران مهم‌تر از توجه به نام مجله علمی-پژوهشی است. از دیدگاه ایشان کسانی که صاحب نام هستند مسئولیت کار خود را می‌پذیرند، درحالی‌که مجلات ممکن است هر نوع مقاله‌ای را چاپ کنند. این استاد در این رابطه گفت: «در ایران نام نویسنده خیلی مهم‌تر از نام مجله است چون گاهی می‌شود یک مقاله‌ای را برای یک مجله علمی-پژوهشی بفرستید و چاپ هم بشود ولی بعد معلوم بشود که این مقاله مشکلاتی داشته است.» این استاد در ادامه تأکید کرد «کسانی که صاحب نام هستند حاضر نیستند نامشان را ضایع کنند و طبعاً مسئولیت حرف‌هایی را که می‌زنند بر عهده دارند.» نکته دیگری که در گروه استادان به آن اشاره شد کیفیت محتوای مقاله در جلب اعتماد به نویسنده مقاله و ارجاع دادن به آن بود. تعدادی از استادان بر این اعتقاد بودند که اگر مقاله‌ای از نظر آن‌ها کیفیت لازم را داشته باشد به نویسنده آن مقاله اعتماد کرده و به آن ارجاع می‌دهند (جدول ۱).

## جدول ۱. نقش مؤثر «اعتماد» در انتخاب مقاله به‌عنوان منبع در گروه استادان

مضمون	درصد	مثال
انتخاب مقاله به‌عنوان منبع بر اساس اعتماد به مجله	۱۰۰٪	انتخاب مقاله برمی‌گردد به اینکه مجله درجه یک هست یا نه. بعضی مجله‌ها که قابل اعتماد نیستند کمتر به آن‌ها ارجاع داده شده است. مجله‌های Q1 قابل اعتماد هستند و تا Q4 درجه اعتماد پایین می‌آید...
انتخاب مقاله به‌عنوان منبع بر اساس اعتماد به نویسنده مقاله	۷۰٪	یک سری آدم‌های شناخته شده هستند در زمینه تحقیقات خودم... از سایت‌های Scopus و Science Direct می‌توانید در مورد یک فرد اطلاعات علمی و پژوهشی او را در بیابید...
انتخاب منبع بر اساس اعتماد به افراد ارجاع شده توسط نویسنده مورد اعتماد	۶۰٪	برای انتخاب مقاله برای ارجاع سراغ کسانی می‌روم که آن‌ها را می‌شناسم و یا از منابعی که آن‌ها ارجاع داده‌اند استفاده می‌کنم.
نقش کیفیت محتوای مقاله در جلب اعتماد به نویسنده مقاله و ارجاع دادن به آن	۴۰٪	اگر مقاله‌ای از نظر خودم کیفیت کافی داشته باشد، صرفاً عنوان برام مهم نیست و به آن کار ارجاع می‌دهم.

تعدادی از دانشجویان دوره دکتری نیز علاوه بر تأکید بر استفاده از مجلات معتبر، از اعتماد به نویسندگانی که به طور تخصصی در زمینه خاصی کار می‌کنند سخن گفتند. به اعتقاد آنان این گونه نویسندگان معمولاً صاحب سبک هستند و حرفی برای گفتن دارند. علاوه بر آن برخی از دانشجویان عدم نقل قول از نویسندگان غیر معتمد را خاطر نشان کردند. به عنوان نمونه، یکی از دانشجویان در این باره گفت: «جمله‌ای از کار کسانی که به آن‌ها اعتماد ندارم در مقاله خودم استفاده نمی‌کنم ولی ممکن است که در قسمت پیشینه تحقیق فقط به کاری که انجام داده است اشاره کنم» (جدول ۲).

جدول ۲. نقش مؤثر «اعتماد» در انتخاب مقاله به عنوان منبع در گروه دانشجویان

مضمون	درصد	مثال
نقش مؤثر اعتماد به مجله در انتخاب مقاله به عنوان منبع	۱۰۰٪	مجلات معتبرتر باشند استفاده می‌کنم و ترجیحاً به مجلات علمی - پژوهشی داخل ارجاع نمی‌دهم.
استفاده از منابع پژوهشگران قابل اعتماد	۹۱٪	به خاطر اعتمادی که به یک نویسنده دارم از منابعی هم که او داده استفاده می‌کنم.
اعتماد به نویسندگانی که به طور تخصصی در زمینه خاصی کار می‌کنند	۵۵٪	من به کسانی ارجاع می‌دهم که صاحب سبک هستند و فقط در یک حوزه تخصصی کار کرده‌اند و متخصص‌اند.
عدم نقل قول از نویسندگان غیر معتمد	۲۷٪	جمله‌ای از کار کسانی که به آن‌ها اعتماد ندارم در مقاله خودم استفاده نمی‌کنم ولی ممکن است که در قسمت پیشینه تحقیق فقط به کاری که انجام داده است اشاره کنم.

با بررسی پاسخ‌های شرکت‌کنندگان این پژوهش به سؤال دوم، این نتیجه حاصل شد که آن‌ها در اکثر اوقات ترجیح می‌دهند از مقالات نویسندگان خارجی استفاده کنند (جدول ۳ و ۴). ۹۰ درصد از استادان اذعان داشتند به طور کلی، فقط به کارهای ایرانی‌هایی که می‌شناسند ارجاع می‌دهند؛ در عین حال ترجیح می‌دهند بیشتر از مقالات خارجی استفاده کنند. از جمله دلایل آنان عبارت بودند از:

- ۱- سرقت ادبی

- ۲- عدم صحت جمع‌آوری داده‌ها (برای مثال، جمع‌آوری اجباری داده از مشارکت‌کنندگان و عدم رغبت آنان به شرکت در پژوهش)

- ۳- رعایت نکردن اصول نگارشی توسط ایرانی‌ها

- ۴- صاحب نظر نبودن آنان

- ۵- پائین بودن سطح علمی مقاله‌ها

## ۶- عدم وجود قالب پژوهشی خاص در مقاله‌ها

یکی از استادان گروه زبان و ادبیات انگلیسی که در زمینه ادبیات تطبیقی انگلیسی و فارسی دارای تخصص و پژوهش‌های متعددی می‌باشد در این باره گفت: «من مجله‌های علمی پژوهشی را می‌خوانم خجالت می‌کشم که اسم این‌ها علمی-پژوهشی است. نگاه می‌کنید می‌بینید هیچ ارتباطی بین این مطالب وجود ندارد، هیچ منبع معتبری در آن وجود ندارد، از لحاظ نگارشی رعایت نشده، کلاً یک بادبینی خاصی دارم نسبت به کارهایی که در ایران چاپ می‌شود». استاد دیگری دلیل ترجیح به ارجاع ندادن به مقالات فارسی را این‌گونه توصیف کرد: «مشکل و معضل اساسی ما در ایران این است که مشکل نوشتن داریم، از معلم دبستانمان گرفته تا استاد دانشگاهمان. مقاله‌ای که خوب و منسجم نوشته شده باشد و ساختارمند باشد به اندازه‌ای که باید نداریم». برخی از استادان از نبود آموزش کافی در زمینه اصول و اخلاقیات روش تحقیق به دانشجویان ابراز نارضایتی کرده و بر لزوم بالا بردن آگاهی دانشجویان در این زمینه تأکید کردند. علت دیگری که توسط استادان در این رابطه بیان شد این بود که ایرانی‌ها معمولاً صاحب‌نظر نیستند و منبع دست دوم به حساب می‌آیند. برای مثال یکی از استادان بر این اعتقاد بود که اکثر کسانی که شناخته شده نیستند مطالب را از جای دیگری گرفته و به بیان خود نوشته‌اند. استاد دیگری در همین زمینه تصریح کرد: «در حوزه تحقیق من، از میان ایرانی‌ها من بخواهم یک نفری را نام ببرم که مثلاً صاحب‌نظر هست و من می‌توانم به او استناد بکنم، نه».

## جدول ۳. ترجیح گروه استادان به ارجاع دادن به مقالات خارجی‌ها

مضمون	درصد	مثال
ارجاع به مقالات نویسندگان شناخته شده خارجی	۱۰۰٪	به خارجی‌هایی که ارجاع‌پذیرند ارجاع می‌دهم نه به همه آن‌ها.
ارجاع به مقالات چاپ شده در مجله‌های معتبر در صورت عدم شناخت نویسنده مقاله (ایرانی یا خارجی)	۱۰۰٪	در صورتی که نویسنده را نشناسم، مجله‌ای که ایندکس قوی - تری داشته باشد ترجیح می‌دهم به آن کار ارجاع بدهم.
ترجیح به ارجاع به مقالات باکیفیت نویسندگان خارجی	۱۰۰٪	مقاله خارجی که کیفیت بالایی داشته باشد و در مجله خوبی چاپ شده باشد را به مقاله ایرانی ترجیح می‌دهم.
ارجاع به مقالات نویسندگان شناخته شده ایرانی	۹۰٪	در کل، به کارهای ایرانی‌هایی که آن‌ها را می‌شناسم حتماً ارجاع می‌دهم.

مقاله‌هایی برای ارزیابی برای من آمده که من می‌بینم خیلی خوب به زبان فرانسه نوشته شده ولی مطالب آن انسجام ندارد من متوجه می‌شوم که این مطالب از جای دیگری برداشته شده و کار خود نویسنده نیست.	٪۹۰	ترجیح به ارجاع ندادن به مقالات نویسندگان ایرانی به دلیل وجود مطالبی از منبع دیگر بدون اشاره به منبع (سرقت ادبی)
من دیده‌ام که دانشجویان (در ایران) بدون دقت و سرسری برای مثال پرسشنامه‌ها را پر می‌کنند که این نتایج پژوهش را زیر سؤال می‌برد.	٪۹۰	ترجیح به ارجاع ندادن به مقالات نویسندگان ایرانی به علت قابل اعتماد نبودن کارهای آن‌ها از لحاظ صحت جمع‌آوری داده‌ها
ترجیحاً غربی‌ها، به دلیل اینکه می‌دانم صداقت آن‌ها در بیان مطالب و ارجاعات و در حفظ اصول نگارشی بیشتر است.	٪۹۰	ترجیح به ارجاع به مقالات خارجی به دلیل صداقت و حفظ اصول نگارشی
در حوزه تحقیق من از میان ایرانی‌ها من بخواهم یک نفری را نام ببرم که مثلاً صاحب‌نظر هست و من می‌توانم به او استناد بکنم، نه.	٪۶۰	ترجیح به ارجاع ندادن به مقالات نویسندگان ایرانی به علت صاحب‌نظر نبودن
مشکل و معضل اساسی ما در ایران این است که مشکل نوشتن داریم. از معلم دبستانمان گرفته تا استاد دانشگاهمان. مقاله‌ای که خوب و منسجم نوشته شده باشد و ساختارمند باشد به اندازه‌ای که باید نداریم.	٪۵۰	ترجیح به ارجاع ندادن به مقالات فارسی به دلیل داشتن مشکل در نوشتن و نبود آموزش کافی در این زمینه
اگر کار انگلیسی باشد من خیلی کم از فارسی‌زبانان استفاده می‌کنم چون اعتقاد دارم خیلی مقاله‌های فارسی به قالب خاصی معتقد نیستند.	٪۳۰	ترجیح به ارجاع ندادن به مقالات فارسی به دلیل عدم وجود قالب پژوهشی خاص
مجله‌های علمی-پژوهشی را می‌خوانم خجالت می‌کشم که اسم این‌ها علمی-پژوهشی است. نگاه می‌کنید می‌بینید هیچ ارتباطی بین این مطالب وجود ندارد، هیچ منبع معتبری در آن وجود ندارد، از لحاظ نگارشی رعایت نشده، کلاً یک بدبینی خاصی دارم نسبت به کارهایی که در ایران چاپ می‌شود.	٪۳۰	بی‌اعتمادی به مقالاتی که در مجلات علمی-پژوهشی ایرانی چاپ می‌شوند به دلیل پایین بودن سطح علمی مقالات.
در زمینه موضوعات فرهنگ و هنر ترجیح می‌دهم به مقالات ایرانی ارجاع بدهم چون فکر می‌کنم خارجی‌ها درک درستی از فرهنگ ما ندارند.	٪۲۰	ارجاع به مقالات نویسندگان ایرانی در موضوعاتی که خارجی‌ها کمتر کار کرده‌اند.
در حوزه خاصی که من دارم درباره‌اش صحبت می‌کنم خیلی نوپاست یا یک جاهایی خیلی بد فهمیده شده... فکر می‌کنم برای ارجاع دادن به کارهای ایرانی‌ها نیاز به زمان داریم.	٪۲۰	عدم ارجاع به مقالات ایرانی‌ها در برخی حوزه‌های خاص به دلیل نوپا بودن

دانشجویان در رابطه با ترجیح به ارجاع به مقالات خارجی دلایلی از قبیل شناخته شده بودن اسامی غربی‌ها، اصل بودن ایده‌های آن‌ها و رعایت مسائل پژوهشی را مطرح نمودند. برای مثال، یکی از دانشجویان چنین گفت: «غربی‌ها تئوری پردازند و ایده، مال خودشان است و ما فقط از ایده‌های آن‌ها استفاده می‌کنیم. در مقاله‌های فارسی که من مطالعه کرده‌ام حتی ایرانی‌ها به یکدیگر آن‌طور که

باید ارجاع نداده بودند چون همدیگر را منبع دانش نمی‌دانند». حدود ۲۷ درصد از دانشجویان نیز، ارجاع به مقالات ایرانی‌ها را در صورت شناخته شده بودن نام آن‌ها در زمینه تخصصی خود و وجود در مجلات معتبر ترجیح می‌دادند.

#### جدول ۴. ترجیح گروه دانشجویان به ارجاع دادن به مقالات خارجی‌ها

مضمون	درصد	مثال
ترجیح به ارجاع دادن به مقالات خارجی به دلیل رعایت مسائل پژوهشی	٪۸۲	ترجیح می‌دهم از مقالات خارجی استفاده کنم. به آن‌ها بیشتر اعتماد دارم چون بحث سرقت ادبی برای آن‌ها پررنگ‌تر است و از اول تحصیل یاد گرفته‌اند که این یک نوع دزدی است...
ترجیح به ارجاع دادن به مقالات خارجی به دلیل شناخته شده بودن اسامی آن‌ها	٪۸۲	مقالات خارجی را ترجیح می‌دهم چون اسامی آن‌ها شناخته‌شده‌تر هستند و این اعتبار مقاله‌ام را بالاتر می‌برد.
ترجیح به ارجاع دادن به مقالات خارجی به دلیل اصل بودن ایده‌های آن‌ها	٪۸۳	غربی‌ها تئوری پردازند و ایده مال خودشان است و ما فقط از ایده‌های آن‌ها استفاده می‌کنیم. در مقاله‌های فارسی که من مطالعه کرده‌ام حتی ایرانی‌ها به یکدیگر آن‌طور که باید ارجاع نداده بودند چون همدیگر را منبع دانش نمی‌دانند.
ارجاع به مقالات ایرانی‌ها در صورت شناخته شده بودن نام آن‌ها در زمینه تخصصی خود و وجود در مجلات معتبر	٪۲۷	ترجیح می‌دهم به ایرانی‌هایی که در یک حوزه خاص معروف هستند و کارهای زیادی در مجلات معتبر چاپ کرده‌اند ارجاع بدهم.
ترجیح به ارجاع دادن به مقالات خارجی به دلیل عدم اعتبار اسامی ایرانی	٪۱۸	ترجیحاً مقالات خارجی را استفاده می‌کنم چون وقتی اسم فارسی می‌آید توی مقاله، آن مقاله سریع رد می‌شود.

هدف سؤال سوم بررسی میزان اعتماد گروه استادان به کارهای پژوهشی همکاران خود و گروه دانشجویان به پژوهش‌های انجام شده توسط همکلاسی‌های خود بود. با تحلیل دقیق محتوای مصاحبه‌ها با دو گروه، بار دیگر با عدم اعتماد در بسیاری از موارد روبرو شدیم (جدول ۵). بسیاری از استادان، عدم نظارت کافی بر روند تألیف مقاله و درجه‌دو بودن مقالات همکاران خویش را اساس بی‌اعتمادی خود به برخی از آنان بیان کردند. یکی از استادان در این رابطه اظهار کرد: «کارهای همکاران معمولاً درجه‌دو است، چقدر مقاله تک دارند؟ از این رو من کار دانشجوی و همکار را یکی می‌دانم». نکته دیگری که در این باره نباید نادیده گرفته شود، کمی‌نگری سیستم

آموزشی می‌باشد. از دیدگاه استادان، تأکید فزاینده سیستم آموزشی در سال‌های اخیر بر کمیت مقالات چاپ شده باعث شده تا افراد «برای مقاصد دیگری مقاله چاپ کنند تا مقاصد علمی». یکی از استادان با ابراز نگرانی از کمیت‌گرایی سیستم آموزشی اذعان کرد: «به نود درصد از همکارانم ارجاع نمی‌دهم چون کارهایشان را علمی- پژوهشی نمی‌دانم. به خاطر کمی‌نگری خیلی‌ها حاضر نیستند به خاطر ارزش‌ها از خیلی از امتیازها بگذرند بنابراین برای اینکه ارتقا پیدا کنند کیفیت را فدای کمیت می‌کنند». مورد دیگری که در پاسخ به این سؤال مطرح شد بسته بودن محیط‌های آموزشی در ایران و نبود تبادل نظر بین همکاران بود. یکی از استادان در این رابطه معتقد است: «ما چون تبادل نظر نداریم با همکاران و در محیط بسته‌ای هستیم بیشتر کارهایمان محدود به ارتباط با دانشجویان هست، بنابراین فضای طبیعی برای گفتمان‌سازی علمی، برای زدن حرف‌های نو علمی نیست مگر اینکه از حرف‌های دیگران استفاده کنیم که این الان در ایران خیلی رایج است».

جدول ۵. عدم «اعتماد» کافی در بسیاری از موارد به کارهای پژوهشی همکاران در گروه استادان

مضمون	درصد	مثال
اعتماد کم به علت عدم نظارت کافی بر روند تألیف مقاله	٪۸۰	به شکل کلی، کارهای همکاران معمولاً توسط دانشجویان نوشته می‌شود و معمولاً به خاطر حجم زیاد پایان‌نامه و مقاله و دانشجویان، استادان نمی‌توانند نظارت دقیقی بر کارهای دانشجویان انجام دهند.
عدم اعتماد به کیفیت مقالات همکاران به دلیل کمی‌نگری سیستم آموزشی	٪۶۰	به نود درصد از همکارانم ارجاع نمی‌دهم چون کارهایشان را علمی- پژوهشی نمی‌دانم. به خاطر کمی‌نگری خیلی‌ها حاضر نیستند به خاطر ارزش‌ها از خیلی از امتیازها بگذرند بنابراین برای اینکه ارتقا پیدا کنند کیفیت را فدای کمیت می‌کنند.
ارجاع دادن به مقالات برخی از همکاران تنها به دلیل بومی بودن موضوع مقاله و کمبود مقالات دیگر	٪۳۰	اگر مطمئن باشم به هیچ عنوان ارجاع نمی‌دهم؛ فقط در یک صورت ممکنه ارجاع بدم که توی اون موضوع خاص بومی باشه و هیچ چیز دیگه وجود نداشته باشه که مجبور باشم استفاده کنم.
اعتماد به همکارانی که در یک حوزه تخصصی خاص زیاد کار کرده‌اند.	٪۳۰	در حوزه‌هایی هستند همکارانی که کارهایشان قابل اعتنا است... در حوزه خودشان زیاد کار کرده‌اند، خوب می‌بینند، خوب فکر می‌کنند.
اعتماد به همکاران در صورت بررسی کار آنها	٪۲۰	وقتی زمینه خاص پژوهشی همکارم با من یکی است خیلی مشتاق هستم کارش را بخوانم تا ببینم همکارهای من چگونه دارند آن کار را انجام می‌دهند و بعد بر اساس شناختی که از آنها دارم به آنها ارجاع می‌دهم.

گفتگو با دانشجویان نیز نشان داد که ۳۶ درصد از آنها شرط ارجاع به کار همکلاسی‌هایشان را همکاری با استاد قابل اعتماد می‌دانند. همچنین، ۷۲ درصد از دانشجویان ارجاع دادن به کار همکلاسی‌های خویش را در صورت چاپ مقالات آنان در مجلات معتبر و حدود ۹ درصد دلیل دوستی را بیان نمودند. از سوی دیگر، حدود ۲۷ درصد از دانشجویان، صاحب‌نظر نبودن همکلاسی‌های خود را دلیلی برای ارجاع ندادن به کارهای پژوهشی آنان اعلام کردند. یکی از آنها در این مورد این‌گونه اظهار نظر کرد: «ترجیح می‌دهم این کار را نکنم با تمام احترامی که برایشان قائلم... ترجیح می‌دهم به کسانی ارجاع بدهم که آدم‌های صاحب‌نظری هستند».

در پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به سؤال چهارم، اعتماد استادان به پژوهش‌های انجام شده توسط دانشجویان خود و یا دانشجویان به کارهای پژوهشی استادان خود مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل محتوای مصاحبه با گروه استادان حاکی از این است که اکثر استادان به کارهای پژوهشی دانشجویان خود، در صورت عدم شناخت کافی از آنان، اعتماد ندارند. در پاسخ به چرایی این بی‌اعتمادی، به‌خصوص در مورد پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد، بسیاری از استادان بر این اعتقاد بودند که به خاطر حجم زیاد کارها و پایان‌نامه‌های دانشجویی، برخی از استادان نمی‌توانند نظارت دقیقی بر مقالات و کارهای پژوهشی تولید شده توسط دانشجویان داشته باشند. از این‌رو بدیهی است که ارائه کاری باکیفیت که نیاز به زمان و راهنمایی فراوان از جانب استاد دارد تقریباً غیرممکن به نظر برسد. دلیل دیگری که در این رابطه مطرح شد عجولانه بودن کارهای پژوهشی دانشجویی است. در این راستا یکی از استادان ابراز نمود: «کارهای دانشجویی معمولاً عجولانه انجام می‌شوند. من می‌بینم که با چه استیصالی فقط یک چیزی می‌نویسند که تحویل بدهند». یکی دیگر از استادان بر این باور بود که «برای دانشجوی هم مقاله درآوردن و نمره گرفتن مهم است تا اینکه یک کار علمی بنیادی انجام دهد و این حس در او به وجود بیاید که حرف نوی زده. این خیلی برای دانشجویهای ما الان مهم نیست، آنها فقط می‌خواهند یک مقاله بنویسند و رزومه‌ای برای خود فراهم کنند».

مسائل قابل توجه دیگری که استادان از آنها نام بردند مشکلاتی از قبیل داده‌سازی، کپی‌برداری و جعل کردن پرسشنامه‌ها در کار برخی از دانشجویان می‌باشد. یکی از استادان در حالی که از وضعیت موجود پژوهش در حوزه علوم انسانی اظهار نارضایتی می‌کرد در این رابطه گفت: «در ایران، همه چیز

خریدنی شده، شرکت‌های خاصی حتی گاهی همین تایپ و تکثیری‌ها داده سازی می‌کنند، مقاله-سازی می‌کنند...».

در مقابل، استاد دیگری درباره امکان اعتماد به پژوهش‌های دانشجویی ابراز امیدواری کرد و گفت: «دانشجو آینه تمام‌نمای ماست... دانشجو اگر خوب راهنمایی بشود کارش قابل اعتماد است. ما باید خیلی وقت بگذاریم» (جدول ۶).

جدول ۶. «اعتماد» کم‌استادان به کارهای پژوهشی دانشجویی

مضمون	درصد	مثال
اعتماد به دانشجو در صورت شناخت او	۹۰٪	اگر دانشجویم را بشناسم و تا به حال با من کار کرده باشد به او ارجاع می‌دهم.
بی‌اعتمادی به علت عدم نظارت دقیق برخی استادان بر کارهای دانشجویان	۹۰٪	به خاطر حجم زیاد پایان‌نامه، مقاله و دانشجو، استادان نمی‌توانند نظارت دقیقی بر کارهای دانشجویان انجام دهند.
عدم اعتماد به علت کمی‌پرداری و جعل کردن پرسشنامه‌ها	۷۰٪	مصادیق کمی‌پرداری در آنها زیاد دیده می‌شود، وقتی زیاد می‌بینم رساله‌های دکتری همش کمی بیست است... اعتمادم رو از دست میدم.
عدم اعتماد به علت عجولانه بودن کارهای پژوهشی دانشجویی	۷۰٪	کارهای دانشجویی معمولاً عجولانه انجام می‌شوند. من می‌بینم که با چه استیصالی فقط یک چیزی می‌نویسند که تحویل بدهند.
عدم اعتماد به علت داده‌سازی توسط دانشجویان	۵۰٪	دانشجو داشته‌ام بعد از شش ماه مثلاً ده تا داده ارائه کرده، ایراد گرفتم فرداش آمده نود تا آورده است.
اعتماد به دانشجویان تحت نظارت دقیق خود و بی‌اعتمادی نسبت به کارهای دیگر دانشجویی	۴۰٪	من باید خط به خط کارهای دانشجویانم را بخوانم تا آنها را تأیید کنم ولی بعضی از همکارانم که راحت‌تر می‌گیرند دانشجویان بیشتر تمایل دارند با آنها کار کنند و نه با من.
اعتماد به دانشجو در صورت همکاری با استاد مورد اعتماد	۲۰٪	اگر ببینم دانشجو با استادی کار کرده است که من قبلاً زمینه کاری مشترکی با ایشان داشته‌ام به او ارجاع می‌دهم.

دانشجویان در ارتباط با اعتماد به کارهای پژوهشی استادان خود پاسخ دادند که در صورت اعتماد به دانش و تخصص استاد در زمینه موضوع پژوهش به مقالات او ارجاع خواهند داد. آنها همچنین از بی‌اعتمادی به کارهای پژوهشی برخی از استادان به دلیل نداشتن تخصصی خاص سخن گفتند. به‌عنوان مثال، یکی از دانشجویان در این زمینه تأکید کرد: «به استادانی که مثلاً پنجاه تا مقاله دارند درباره سی تا موضوع اعتماد ندارم چون احساس می‌کنم همه را دانشجویهایشان انجام داده‌اند».



سؤال پنجم تحقیق به مسئله اعتماد استادان و دانشجویان به کارهای پژوهشی خود می‌پردازد. نتایج مصاحبه نشان داد که ۵۰ درصد از استادان به کارهای خود اعتماد داشته و به آن‌ها ارجاع می‌دهند. درحالی‌که ۵۰ درصد دیگر در عین اینکه به کارهای پژوهشی خود اعتماد دارند به دلایلی از قبیل اخلاق پژوهشی و یا صاحب‌نظر نبودن به کارهای خود ارجاع نمی‌دهند (جدول ۷).

جدول ۷. «اعتماد» به کارهای پژوهشی خود در گروه استادان

مضمون	درصد	مثال
عدم ارجاع به کارهای پژوهشی خود به خاطر اخلاق پژوهشی	٪۴۰	به کارهای خود مطمئن هستم ولی به خاطر اخلاقیات پژوهشی هیچ‌وقت به خودم ارجاع نمی‌دهم.
داشتن اعتماد و ارجاع دادن به آن‌ها	٪۳۰	من به کارهای خودم اعتماد دارم و به آن‌ها ارجاع می‌دهم. چون من فقط با دانشجویانی کار پژوهشی انجام می‌دهم که از آن‌ها کاملاً مطمئن هستم. حتماً باید شناخت عمیق و دقیقی از آن‌ها داشته باشم تا با آن‌ها کار کنم.
ارجاع به کارهای خود بسته به میزان ارتباط با کار جدید	٪۲۰	کارهای خودم را بسته به اینکه چقدر مرتبط هستند استفاده می‌کنم.
عدم ارجاع به دلیل صاحب‌نظر نبودن	٪۱۰	اگر کسی برسد به حدی که خودش را صاحب سبک و نظر بداند جایی که لازم باشد به خودش هم ارجاع می‌دهد. چه اشکالی دارد؟ ولی من فعلاً این کار را نمی‌کنم.

۹۱ درصد از دانشجویان نیز از داشتن اعتماد به کارهای پژوهشی خود و ارجاع دادن به آن‌ها سخن گفتند. حدود ۴۵ درصد از دانشجویان ارجاع دادن به کار خود را منوط به همکاری با استادان معتبر و صاحب‌نام دانستند. نکته قابل توجهی که توسط حدود ۲۷ درصد از دانشجویان در این قسمت مطرح شد این بود که آنان به کارهای پژوهشی خود که بعد از ورود به مقطع دکتری چاپ شده باشد اعتماد دارند. برای مثال، یکی از دانشجویان اذعان کرد: «لان که آگاهیم نسبت به پژوهش بیشتر شده نسبت به مقاله‌هایم اعتماد داریم... به کارهای دوره ارشد اعتماد ندارم چون خیلی چیزها را هنوز نمی‌دانستیم».

ششمین سؤال تحقیق، اعتماد خارجی‌ها به پژوهش‌های انجام شده در ایران را مورد کنکاش قرار می‌دهد. هر دو گروه استادان و دانشجویان بر میزان بسیار کم ارجاعات خارجی‌ها به مقالات ایرانی‌ها اتفاق نظر داشتند. شاید بتوان گفت دلیل اصلی آن عقب بودن ایرانی‌ها در امر پژوهش نسبت به غربی‌ها و نوآور نبودن و تکراری بودن کار آن‌ها در بسیاری از زمینه‌های پژوهش در علوم انسانی است. به اعتقاد یکی از استادان «ما ارتباطمان با جریان علم قطع است. ما در گوشه‌ای از عالم علم هستیم. ما در مرکز انتشارات، در مرکز

دادوستد، در مرکز حرف‌های نو نیستیم... اولین چیز فراهم آوردن شرایط علمی است و بعد جزء این شرایط، امکانات علمی است. مثلاً دسترسی به منابع یا افراد صاحب آراء در ایران خیلی ضعیف است. شما به یک مقاله دسترسی پیدا می‌کنید ولی به ده تا مقاله دیگر دسترسی پیدا نمی‌کنید». در همین راستا، متین (۱۳۷۹) در مطالعه‌ای درباره معضلات وضعیت پژوهش در ایران نیز به کمبود تجهیزات و منابع تحقیقاتی اشاره می‌کند.

اگرچه برخی از استادان معتقد بودند که میزان خیلی کم ارجاع دادن غربی‌ها به ایرانی‌ها به علت ترجمه نشدن برخی از آثار باکیفیت فارسی‌زبانان و یا دیده نشدن کار آنان است ولی برخی دیگر اعتقاد داشتند خارجی‌ها به کارهای پژوهشی ایرانی‌ها اعتماد ندارند و به همین دلیل به آن‌ها ارجاع نمی‌دهند. به‌عنوان مثال، یکی از استادان در این رابطه عنوان کرد: «...اگر هم (خارجی‌ها) ارجاع به ایرانی‌ها داده بوده‌اند، به مقالات ایرانی در مجله‌هایی که در ایران چاپ می‌شوند نبوده است...». همچنین یکی از دانشجویان که در این باره تحقیق انجام داده بود گفت: «در تمام مقالاتی که من خوانده‌ام و اتفاقاً تحقیق هم کرده‌ام معمولاً به ایرانی‌هایی که خارج از کشور تحصیل می‌کنند یا استادان ارجاع می‌دهند؛ به داخلی‌ها نه» (جدول ۸).

سؤال آخر این پژوهش، در مجموع، اعتماد افراد نسبت به کارهای پژوهشی انجام شده در ایران توسط ایرانی‌ها را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. نتایج مصاحبه‌ها بیانگر نوعی بی‌اعتمادی و یا اعتماد پایین پژوهشگران نمونه مطالعه حاضر به انجام پژوهش در ایران می‌باشد. علت‌های متعددی توسط دانشجویان و استادان مطرح گردید که جای بسی تأمل دارد.

جدول ۸ میزان «اعتماد» خارجی‌ها به پژوهش‌های انجام شده در ایران

مضمون	درصد	مثال
عدم ارجاع غربی‌ها به ایرانی‌ها به دلیل نوآور نبودن آنان	٪۴۰	من به جرأت می‌گویم در حوزه‌های کاری من هیچ ارجاعی به ایرانی‌ها داده نشده به خاطر اینکه ما بیشتر پیرو بوده‌ایم تا ارائه‌کننده یک فکر جدید
ارجاع غربی‌ها به نویسندگان ایرانی که در غرب زندگی می‌کنند	٪۳۰	اگر هم ارجاع به ایرانی‌ها داده بوده‌اند، به مقالات ایرانی در مجله‌هایی که در ایران چاپ می‌شوند نبوده است و به افرادی مثل حمید دوشی و کریمی حکاک که مثلاً در دانشگاه کلمبیا هستند ارجاع داده‌اند.
میزان خیلی کم ارجاع دادن خارجی‌ها به ایرانی‌ها به علت ترجمه نشدن برخی از آثار فارسی‌زبان	٪۲۰	در بعضی از زمینه‌ها مقاله ایرانی که به نظر من خیلی هم خوب انجام شده ولی چون ترجمه به انگلیسی نشده، خارجیه هم هیچ تلاشی برای دانستن فارسی انجام نداده است.
میزان خیلی کم ارجاع دادن خارجی‌ها به ایرانی‌ها به خاطر عدم اعتماد	٪۲۰	من فکر می‌کنم که اصلاً اعتمادی نسبت به کارهای ایرانی وجود ندارد و آن‌ها بیشتر به خودشان ارجاع می‌دهند.

همگی استادان حاضر در این مطالعه، یکی از مهم‌ترین دلایل اعتماد پائین خود به تولیدات علمی - پژوهشی داخلی را به وجود سیاست‌های غلط در نظام آموزشی و تربیتی و در نتیجه توجه بیشتر ایرانی‌ها به کمیت تا کیفیت به علت سیاست‌گذاری‌های کلان و آفت‌های مربوط به سیستم مقاله-گرایی نسبت دادند. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، شیوه نامطمئن جمع‌آوری داده‌ها، نبود منشور اخلاقی پژوهش در ایران، وجود بنگاه‌های خاص مقاله و پایان‌نامه‌نویسی برای دانشجویان و اعتبار پائین علمی برخی پژوهشگران از جمله عواملی هستند که نیاز به بازاندیشی عمیق در مورد مسائل تحقیق و اندیشیدن چاره برای رفع آفت‌ها از امر پژوهش و تحقیق در ایران و در نتیجه هموار ساختن مسیر تعالی و پیشرفت را نمایان می‌سازد. با تأکید بر لزوم بازنگری سیاست‌های کلان و ابراز نگرانی از وضعیت موجود در امر پژوهش در ایران، یکی از استادان اذعان کرد: «در سال‌های اخیر تعداد زیادی مقاله چاپ شد که تولیدکنندگان این مقالات، از نظر جایگاه شغلی و از نظر علمی انتفاع زیادی بردند از قتل تولید این مقالات، این‌ها به نظر من دردی از ما دوا نمی‌کند و باید نسبت به کیفیت کارهایمان بازنگری کنیم». در همین رابطه، خدمت (۱۳۷۸) نیز بر این باور است که در اغلب اوقات پژوهش در ایران فعالیتی روینایی محسوب شده که منجر به تولید مقالات بی‌کیفیت و در نهایت مرتفع نکردن نیازهای جامعه می‌شود. استاد دیگری در این رابطه گفت: «ما در ایران منشور اخلاقی پژوهش نداریم؛ کپی‌رایت نداریم؛ این باعث می‌شود هر کس هر کاری بخواهد انجام بدهد».

استاد دیگری با تأکید بر ضرورت فراهم آوردن فرصت‌های آموزشی مناسب برای دانشجویان و فعالان عرصه پژوهش گفت: «بخشی از بی‌اعتمادی من برمی‌گردد به نظام آموزشی و تربیتی خودمان یعنی ما استادها. در تعاریفی که برای برنامه‌ریزی درسی لیسانس و فوق‌لیسانس کرده‌ایم جایی برای نقد نوشتن و یا تفکر نقادانه ندیدیم. اصلاً ما بچه‌ها را آشنا نکردیم که سرقت ادبی چه هست...». یکی از استادان، شیوه جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه را که در اکثر پایان‌نامه‌های دانشجویی و کارهای پژوهشی استفاده می‌شود مورد انتقاد قرار داد و گفت: «یکی از دلایلی که به ایرانی‌ها نمی‌شود ارجاع داد این است که ایرانی‌ها اکثراً از پرسشنامه استفاده می‌کنند (در گروه علوم انسانی)، دانشجویان فقط می‌خواهند مثلاً هزار تا پرسشنامه جمع‌آوری کنند، اصلاً برایشان مهم نیست و الکی جواب می‌دهند چون هیچ‌گونه، به‌عنوان مثال، پاداشی برای آن در نظر گرفته نمی‌شود» (جدول ۹).

## جدول ۹. «اعتماد» پائین استادان نسبت به کارهای پژوهشی انجام شده در ایران

مضمون	درصد	مثال
اعتماد پائین به دلیل عدم وجود منشور اخلاقی پژوهش در ایران	٪۱۰۰	ما در ایران منشور اخلاقی پژوهش نداریم؛ کپی رایت نداریم؛ این باعث می شود هر کس هر کاری بخواهد انجام بدهد.
اعتماد پایین به دلیل وجود سیاست های غلط در نظام آموزشی و تربیتی	٪۱۰۰	بخشی از بی اعتمادی من برمی گردد به نظام آموزشی و تربیتی خودمان یعنی ما استادهایم. در تعریفی که برای برنامه ریزی درسی لیسانس و فوق لیسانس کردیم جایی برای <i>critical writing</i> و <i>critical thinking</i> ندیدیم. اصلاً ما بچه ها را آشنا نکردیم که سرقت ادبی چی هست...
اعتماد پائین به علت شیوه جمع آوری داده ها	٪۹۰	یکی از دلایلی که به ایرانی ها نمی شود ارجاع داد این است که ایرانی ها اکثراً از پرسشنامه استفاده می کنند (در گروه علوم انسانی)، دانشجویان فقط می خواهند هزار تا پرسشنامه جمع آوری کنند، اصلاً برایشان مهم نیست و الکی جواب می دهند چون هیچ گونه، به عنوان مثال، پاداشی برای آن در نظر گرفته نمی شود.
اعتماد پایین به علت سیاست گذاری های کلان و آفت های مربوط به سیستم مقاله گرایی	٪۹۰	در سال های اخیر تعداد زیادی مقاله چاپ شد که تولیدکنندگان این مقالات، از نظر جایگاه شغلی و از نظر علمی انتفاع زیادی بردند از قبل تولید این مقالات، این ها به نظر من دردی از ما دوا نمی کند و باید نسبت به کیفیت کارهایمان بازنگری کنیم.
اعتماد پایین به دلیل توجه بیشتر ایرانی ها به کمیت تا کیفیت	٪۸۰	کمیت و کیفیت نسبت معکوس دارد با کمیت... صرف نظر از عوامل جنبی یکی از دلایل پایین آمدن کیفیت، افزایش کمیت است.
اعتماد پائین به دلیل وجود بنگاه های خاص مقاله و پایان نامه نویسی برای دانشجویان	٪۵۰	دانشجو پول می دهد به یک سری بنگاه ها، از صفر تا صد پایان نامه را برایش انجام می دهند.
عدم اعتماد به دلیل اعتبار پائین علمی پژوهشگر	٪۳۰	دانشجو پایان نامه می نویسد پرفکت، ولی نمی تواند یک کلمه حرف بزند یا کلمات را درست تلفظ کند. چطور ممکن است خودش آن را نوشته باشد؟
اعتماد پایین به برخی مجلات علمی - پژوهشی داخلی	٪۲۰	معضل اساسی و آفت بزرگ در چاپ مقالات ما باندبازی است. گاهی مقالات هر چند بی کیفیت را به دلیل اینکه مثلاً من همکار آن ها هستم در ژورنالی که مسئولش هستم چاپ می کنند درحالی که کارهای باکیفیت اگر آشنا نداشته باشند یا مدت ها در نوبت می مانند یا بی دلیل رد می شوند.

در همین راستا، دانشجویان نیز از وضعیت کلی پژوهش در حوزه زبان های خارجی در ایران ابراز نارضایتی نموده و دلایل متعددی را جهت عدم اعتماد خود به تولیدات علمی - پژوهشی داخلی بیان کردند. همان طور که پیش تر شرح داده شد، آن ها در مجموع مسائلی از قبیل نادرست بودن شیوه اجرای کارهای پژوهشی، اصل نبودن مطالب آنان، آشنا نبودن بسیاری از پژوهشگران جوان با اخلاق پژوهشی و آموزش ناکافی و همچنین شناخته شده نبودن اهمیت پژوهش در ایران را به عنوان چالش های پیش روی این امر خطیر در ایران معرفی نمودند. به عنوان مثال، یکی از آنان وضعیت موجود را این گونه توصیف کرد:

«بیشتر مقالات ایرانی‌ها تقریباً هم‌تاسازی<sup>۲۶</sup> است، پراز کی‌برداری است، حجم نمونه آن‌ها نمایانگر<sup>۲۷</sup> نیست که بتوانیم تعمیم بدهیم و دیگر اینکه اخلاق پژوهشی در ایران تقریباً وجود ندارد... آمارسازی و اسم عوض کردن در ایران خیلی زیاد است». دانشجوی دیگری گفت: «اکثر اوقات نمونه‌های تحقیق، پرسشنامه‌ها را سرسری پر می‌کنند برای اینکه یک کاری انجام داده باشند... اصلاً با اهمیت پژوهش آشنا نشده‌اند...» (جدول ۱۰).

#### جدول ۱۰. «اعتماد» پائین دانشجویان نسبت به کارهای پژوهشی انجام شده در ایران

مضمون	درصد	مثال
اعتماد پایین به دلیل قابل اعتماد نبودن نتایج در بسیاری از پژوهش‌هایی که از روش پرسشنامه استفاده می‌کنند.	٪۱۰۰	تا جایزهای برای کسی نگذاری کسی درست جوابت را نمی‌دهد. هر چقدر هم که سعی می‌کنیم باز هم نتایج قابل اعتماد نیستند.
عدم اعتماد به دلیل اصل نبودن مطالب	٪۹۱	ایده را از جای دیگری می‌گیرند و بدون اینکه از منبعی نام برند آن را به نام خود تمام می‌کنند.
عدم اعتماد به دلیل نادرست بودن شیوه کار	٪۸۱	همه مقالات ایرانی‌ها تقریباً replication است، پراز کی‌برداری است، حجم نمونه آن‌ها representative نیست که بتوانیم تعمیم بدهیم و دیگر اینکه اخلاق پژوهشی در ایران تقریباً وجود ندارد... آمارسازی و اسم عوض کردن در ایران خیلی زیاد است.
عدم اعتماد به دلیل شناخته نشدن اهمیت پژوهش در ایران	٪۸۱	اکثر اوقات نمونه‌های تحقیق، پرسشنامه‌ها را سرسری پر می‌کنند برای اینکه یک کاری انجام داده باشند... اصلاً با اهمیت پژوهش آشنا نشده‌اند...
عدم اعتماد به دلیل آشنا نبودن بسیاری از پژوهشگران جوان با اخلاق پژوهشی و آموزش ناکافی	٪۸۱	خیلی وقت‌ها سرعت ادبی در کارهایشان عمدی نیست. چون نمی‌دانند چطور بنویسند مرتکب آن می‌شوند... اگر آموزش کافی ببینند کارهایشان از این بابت درست می‌شود.
عدم اعتماد به دلیل کمیت‌گرا بودن ایرانی‌ها	٪۷۲	اگر ایرانی‌ها کمیت‌گرا نباشند می‌توانند مقالات با کیفیت تر بنویسند و در ژورنال‌های خوب چاپ کنند.
اعتماد به برخی از ایرانی‌ها که در زمینه تخصصی به‌طور خاص کار می‌کنند	٪۶۳	مثلاً در یک زمینه خاص وقتی می‌بینم یک ایرانی زیاد کار کرده و جاهای خوب چاپ کرده به او اعتماد می‌کنم و ارجاع می‌دهم.
اعتماد بسیار کم به دلیل انجام پژوهش توسط غیرمتخصص‌ها	٪۴۵	توی ایران همه‌چیز خریدنی شده، شرکت‌های خاصی حتی گاهی همین تایپ و تکثیری‌ها داده‌سازی می‌کنند، مقاله‌سازی می‌کنند...
عدم اعتماد به کیفیت مقالات برخی مجلات علمی-پژوهشی داخل	٪۱۸	به این مجلات داخلی هم خیلی اعتماد ندارم چون بعضی‌هایشان خیلی وقت‌ها بر اساس روابط مقاله چاپ می‌کنند...

26 replication

27 representative

در پایان، حدود ۱۸ درصد از دانشجویان و ۲۰ درصد از استادان به عدم اعتماد به کیفیت مقالات برخی مجلات علمی - پژوهشی داخل به دلیل آفت باندبازی اشاره کردند. یکی از استادان نظر خود را این گونه ابراز کرد: «معضل اساسی و آفت بزرگ در چاپ مقالات ما باندبازی است. گاهی مقالات هرچند بی کیفیت را به دلیل اینکه مثلاً من همکار آن‌ها هستم در مجله‌ای که مسئولش هستم چاپ می‌کنند درحالی‌که کارهای باکیفیت اگر آشنا نداشته باشند یا مدت‌ها در نوبت می‌مانند یا بی دلیل رد می‌شوند». یکی از دانشجویان نیز با تأکید بر این مسئله گفت: «به این مجلات داخلی هم خیلی اعتماد ندارم چون بعضی هایشان خیلی وقت‌ها بر اساس روابط مقاله چاپ می‌کنند...».

##### ۵. نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت ویژه پژوهش در پیشبرد سطح علمی جامعه و تأکید فزاینده مسئولان بر این امر در سال‌های اخیر در ایران، مطالعه حاضر با بررسی جنبه‌های گوناگون اعتماد در بحث انتخاب مقالات به عنوان مرجع و ارجاع دادن به آن‌ها تحلیلی از وضعیت پژوهش در سال‌های اخیر در ایران ارائه می‌دهد. در این پژوهش با استفاده از ابزار مصاحبه به نتایج قابل تأملی در زمینه اعتماد به پژوهش‌ها و سازوکار مقاله‌نویسی در ایران در مقایسه با کشورهای غربی رسیدیم. نمونه‌های تحقیق از میان دو گروه استادان هیأت علمی در رشته‌های زبان و ادبیات انگلیسی، زبان و ادبیات فرانسه، مترجمی و آموزش زبان انگلیسی و دانشجویان مقطع دکتری در رشته آموزش زبان انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد بر اساس نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. دلیل انتخاب نمونه‌ها از رشته‌های زبان‌های خارجی، آشنایی کامل آنان به زبان مقالات چاپ شده در عرصه بین‌المللی و آشنایی آنان با سازوکار مقاله‌نویسی در دیگر رشته‌ها در خلال ترجمه و یا ویرایش مقالات تألیف شده توسط پژوهشگران در دیگر حوزه‌های علمی - پژوهشی علوم انسانی بود.

به‌طور کلی، نتایج تحلیل محتوای مصاحبه‌ها بیانگر نوعی بی‌اعتمادی نسبت به کارهای پژوهشی انجام شده در ایران توسط ایرانی‌ها به‌خصوص در حوزه زبان‌های خارجی می‌باشد. عوامل متعددی در این بی‌اعتمادی یا کم‌اعتمادی نقش دارند که در این مقاله به بسیاری از آن‌ها اشاره شد. از نتایج این مطالعه چنین بر می‌آید که می‌توان ریشه آن را در دو مورد اساسی جستجو کرد:

۱- نظام آموزشی و تربیتی کشور؛

۲- سیاست‌گذاری‌های کلان و سیستم مقاله‌گرایی در نظام آموزشی و پژوهشی کشور در سال‌های اخیر.

در مورد اول، اکثر قریب به اتفاق استادان و دانشجویان شرکت‌کننده در این تحقیق به نبود آموزش کافی و تخصصی برای تربیت پژوهشگرانی توانا در عرصه ملی و بین‌المللی اشاره کردند. ضرورت توجه بیشتر به بالا بردن مهارت‌هایی از قبیل تفکر نقاد، ابتکار عمل و خلاقیت نه تنها در سطح تحصیلات عالی بلکه از سطوح ابتدایی و متوسطه به صورت اصولی و گام‌به‌گام به وضوح احساس می‌شود. طبق نظر استادان و دانشجویان مورد مطالعه در این پژوهش، روش تحقیق در ایران حتی در سطح دانشگاه نیز آن‌طور که باید جدی گرفته نمی‌شود و دانشجویان در پایان دو واحد درسی، برای مثال در سطح کارشناسی یا کارشناسی ارشد، در اکثر اوقات دانش و اعتمادبه‌نفس کافی برای تولید مقاله‌ای باکیفیت و درخور توجه را کسب نمی‌کنند.

در درجه دوم، سیاست‌گذاری‌های کلان و سیستم مقاله‌گرایی در نظام آموزشی و پژوهشی کشور در سال‌های اخیر از سوی استادان و دانشجویان مورد مطالعه به‌عنوان آفتی بزرگ برای پژوهش و تولیدات علمی در کشورمان ذکر شد که شایان توجه اساسی و بازنگری در قوانین و سیاست‌های موجود در این باره می‌باشد. به‌طورکلی، به دلیل تأکید فزاینده بر کمیت مقاله‌های فعالان در عرصه آموزش و پژوهش، مسئله و دغدغه بسیاری از آنان تا حد زیادی به چاپ رساندن تعداد مقالات بیشتر بوده است تا مقاله‌هایی باکیفیت بالاتر.

به نظر می‌رسد علل دیگر کم‌اعتمادی جامعه نمونه تحقیق حاضر به تولیدات علمی - پژوهشی داخلی کشورمان در بسیاری از موارد - که در قسمت نتایج مطرح گردید - با بازاندیشی و بازنگری به دو مسئله ریشه‌ای ارائه شده در بالا مرتفع خواهد شد. این مسئولیت خطیر بر عهده تصمیم‌سازان و سیاست‌گذاران نظام آموزشی و پژوهشی کشور عزیزمان و همچنین بر عهده معلمان مدارس و استادان دانشگاه‌هایمان است. امید است با بازنگری عمیق در مورد مسائل تحقیق و اندیشیدن چاره برای رفع آفت‌ها از امر پژوهش و تحقیق در ایران بتوان مسیر تعالی و پیشرفت را هموار ساخته و با تولیدات علمی شایسته و باکیفیت بیش‌ازپیش نقش مؤثری در نشر و توسعه علم در سراسر دنیا داشته باشیم.

## کتابنامه

- ابراهیمی لویه، ع. (۱۳۸۸). اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین مردم شهر گرمسار. پیک نور، سال هفتم (۳)، ۶۵-۸۴.
- استادی، آ. (۱۳۸۳). موانع و راهکارهای پژوهش دانشجویی در درس معارف اسلامی. ماهنامه آموزشی، اطلاع‌رسانی معارف (۲۰)، ۵۲-۵۳.
- تابان، م. (۱۳۸۷). تعیین متولی و مسئول، مهم‌ترین نیاز بخش پژوهش در ایران. روزنامه اطلاعات، (۱۳۸۷/۳).
- خبرگزاری ایسنا. (۱۳۹۳). جامعه به دستاوردهای پژوهشی اعتماد نمی‌کند. بازیابی ۹۴/۴، از <http://www.isna.ir/fa/news/93102010829>
- جوادیان، ی. (۱۳۸۱). نگرش دانشجویان پزشکی در مورد اهمیت پژوهش، مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی قزوین (۲۲)، ۶۴-۷۰.
- جمالی پاقلعه، م؛ و شفیع‌زاده، آ. (۱۳۹۱). رویکرد تحلیلی مقایسه‌ای به تحقیق و توسعه در ایران و چند کشور پیشرفته. فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد، سال هشتم (۳۱)، ۲۳-۳۴.
- حیدرآبادی، آ؛ و صالح‌آبادی، آ. (۱۳۹۱). گونه‌شناسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر ساری. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهارم (۳)، ۱۱۵-۱۲۹.
- خدمت، ح؛ و همکاران (۱۳۷۸). روش تحقیق در علوم پزشکی. تهران: طیب.
- ذکایی، م. س. (۱۳۸۱). نظریه و روش در تحقیقات کیفی. فصلنامه علوم اجتماعی (۱۷)، ۶۹-۴۱. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- سرشتی، م، کاظمیان، آ. و دریس، ف. (۱۳۸۹). موانع انجام تحقیقات از دیدگاه اساتید و کارکنان دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد. راهبردهای آموزشی (۳)، ۵۷-۵۱.
- سواری، ک؛ و تقی‌پور، م. (۱۳۸۲). بررسی موانع پژوهش در دانشگاه پیام نور از دیدگاه اعضای هیئت‌علمی منطقه هفت. اولین همایش ملی توسعه دانشگاه مجازی، دانشگاه پیام نور کاشان.
- شربتیان، م. ح. (۱۳۹۱). تأملی بر پیوند معنایی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و میزان بهره‌مندی از سلامت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور مشهد. فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال دوم (۵)، ۱۷۴-۱۴۹.
- صافی، آ. (۱۳۸۰). اهمیت و جایگاه پژوهش در آموزش و پرورش: تلاش، چالش‌ها و سیاست‌های آینده. پژوهشنامه آموزشی (۳۵)، ۴۹-۴۶.



- طالقانی، م. (۱۳۷۷). موانع و مشکلات ساختاری پژوهش در ایران. روزنامه اطلاعات، (۱۳۳/۱۰/۱۳۷۷).
- عربمختاری، ر. (۱۳۸۶). شناسایی موانع و مشکلات پژوهش در رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه‌های دولتی کشور از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشکده تربیت بدنی دانشگاه تهران.
- فضل‌اللهی، س. (۱۳۸۸). شناسایی و اولویت‌بندی موانع تولید علم از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های استان قم. معرفت (۱۴۱)، ۱۴۲-۱۲۷.
- کتابی، م؛ و همکاران (۱۳۸۹). سنجش اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در مراکز شهرستان‌های چهارمحال و بختیاری. جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و یکم (۴)، ۹۷-۱۲۲.
- کریمی، ف. (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی اشاعه و کاربرد یافته‌های پژوهشی و پیشنهادهایی به‌منظور بهبود آن. پژوهشنامه آموزشی (۱۲۰)، ۲۳-۳۲.
- متین، ن. (۱۳۷۹). اعتبارات و ارتقای کیفیت پژوهش. فصلنامه پژوهشنامه آموزشی (۲۳)، ۳۹-۳۶.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۲). چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی. بازیابی ۹۴/۴، از <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/132295>
- Bayat, M., Schott, T. and Zali, M. R. (2014). Firms' collaboration networks benefitting innovation: embeddedness in high- and low-trust culture, Denmark and Iran. *International Journal of Entrepreneurship and Small Business*, 23(1/2), 168-190.
- Badescu, G. & Sum, P. E. (2015). Generalized trust and diversity in the classroom: A longitudinal study of Romanian adolescents. *Communist and Post-Communist Studies xxx*, 1-9. Retrieved from [www.elsevier.com/locate/postcomstud](http://www.elsevier.com/locate/postcomstud).
- Blomqvist, K. (1997). The many facets of trust. *Scand. J. Mgmt*, 13(3), 271-286.
- Costa, A. C., Roe, R. A., & Taillieu, T. (2001). Trust within teams: The relation with performance effectiveness. *European Journal of Work and Organizational Psychology*, 10(3), 225-244.
- Freitag, M. & Bauer, P. C. (2013). Testing for measurement equivalence in surveys: Dimensions of social trust across cultural contexts. *Public Opinion Quarterly* (77), Special Issue, 24-44.
- Fukuyama, F. (1995). *Trust: The social virtues and the creation of prosperity*. New York: Free Press.

- Inglehart, R. (2000). Culture and democracy. In L. E. Harrison and S. P. Huntington, *Culture Matters: How Values Shape Human Progress*, Eds.79-96. New York: Basic Books.
- Kaplan, R. M. (1973). Components of trust: Note on use of Rotter's Scale. *Psychological reports*, 33, 13-14.
- Luhmann, N. (2000). Familiarity, confidence, trust: Problems and alternatives. In G. Diego, *Trust: Making and Breaking Cooperative Relations*, Eds.94-107. Oxford: Department of Sociology, University of Oxford.
- Murphy-Graham, E. & Lample, J. (2014). Learning to trust: Examining the connections between trust and capabilities friendly pedagogy through case studies from Honduras and Uganda. *International Journal of Educational Development*, 36, 51-62.
- Origi, G. (2004). Is trust an epistemological notion? *Episteme*, Cambridge University Press(CUP), 1(1), 61-72.
- Rotter, J. B. (1967). A new scale for the measurement of interpersonal trust. *Journal of Personality*, 35, 651-665.
- Ward, P. R., Mamerow, L., & Meyer, S. B. (2014). Interpersonal trust across six Asia-Pacific countries: Testing and extending the 'high trust society' and 'low trust society' theory. *PLOS ONE*, 9(4), 1-17.
- Willig, C. (2013). *Introducing qualitative research in psychology*. 3<sup>rd</sup> ed. USA, New York: McGraw-Hill Education.
- Yamagishi, T. and Yamagishi, M. (1994). Trust and commitment in the United States and Japan. *Mot. Emot.* 18(2), 129-166.